

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

نظریه پنجم - نظر محقق نائینی

یادآوری مباحث گذشته: بحث در مورد ضابطه‌ای بود که مرحوم محقق نائینی اعلی الله مقامه الشریف جهت تمییز شبهه محصوره از شبهه غیرمحصوره ذکر کردند، ایشان فرمودند شبهه غیرمحصوره آن شبهه‌ای است که دارای این دو خصوصیت باشد؛ (1) در او کثرت الأطراف باشد (2) این کثرت الأطراف به حدی باشد که جمع این اطراف در مقام استعمال عادتاً ممکن نباشد، عادتاً مکلف نتواند همه‌ی اینها را مرتکب شود، این ضابطی بود که مرحوم نائینی ارائه داده اند. مرحوم آقای خوئی قدس سره وقتی این ضابط مرحوم نائینی را نقل می‌کنند، یک تعبیری دارند که این تعبیر در کتاب فوائد الاصول نیست، حالا شاید در دوره‌ی دیگر مرحوم نائینی بوده، ایشان می‌فرماید «ومن هنا تختص الشبهة غير المحصورة بالشبهات التحريمية» می‌فرماید با توجه به ضابطه‌ای که مرحوم نائینی بیان کردند شبهه‌ی غیرمحصوره در شبهات تحریمیه منحصر می‌شود، یعنی در شبهه تحریمیه مخالفت قطعیه امکان ندارد، در شبهه‌های غیرمحصوره‌ای که عنوان تحریمی دارند مخالفت قطعیه ممکن نیست، اگر گفتیم یکی از شیرهای این بلد نجس است عادتاً مخالفت قطعیه - ارتکاب تمام اطراف - ممکن نیست.

می‌فرمایند اصلاً این بیان و ضابطه‌ای که مرحوم نائینی ذکر کرده به این معناست که ما شبهه‌ی غیرمحصوره را منحصر به شبهات تحریمیه کنیم، اما در شبهات وجوبیه مخالفت قطعیه ممکن است، اگر علم اجمالی داشته باشیم یکی از این صد عمل واجب است، مخالفت قطعیه اینجا ممکن است، به اینکه هیچ کدام را انجام ندهم. در شبهات وجوبیه مخالفت قطعیه امکان دارد، مرحوم آقای خوئی یا این را لازمه‌ی کلام نائینی می‌داند، یا اصلاً می‌خواهند بفرمایند به عقیده نائینی شبهه‌ی غیرمحصوره فقط در شبهات تحریمیه راه دارد، اما در شبهات وجوبیه تمکن از مخالفت قطعیه وجود دارد و شخص آنجایی که علم اجمالی دارد یکی از این صد عمل، یکی از این هزار عمل واجب است، اینجا مخالفت قطعیه برای او ممکن است، عرض کردم این تعبیری که مرحوم آقای خوئی دارند طبق آن عبارتی که ما دیروز از مرحوم نائینی نقل کردیم، این عبارت اصلاً تصریح به این معنا در آن نیست ولو اینکه مثال‌هایی که مرحوم نائینی زدند در شبهه تحریمیه است، مثال‌هایی که برای شبهه غیرمحصوره زدند در شبهه‌ی تحریمیه است ولی ایشان تصریح نکرده که شبهه‌ی غیرمحصوره‌ای که ما می‌گوئیم، فقط باید در شبهات تحریمیه باشد چون در شبهه تحریمیه عادتاً مخالفت و مخالفت قطعیه امکان ندارد، اما در شبهه وجوبیه علم اجمالی دارد یکی از این صد عمل واجب است، وقتی هیچ کدام را انجام نداد اینجا مخالفت قطعیه ممکن است.

پس ما نمی‌توانیم بگوئیم نائینی شبهه‌ی غیرمحصوره را منحصر در شبهات تحریمیه می‌داند، ایشان می‌گوید شبهه غیر محصور آن شبهه‌ای است که در آن کثرة الأطراف وجود داشته و این کثرة الاطراف به حدی است که عادتاً تمکن از ارتکاب وجود ندارد، حالا در اگر کسی بخواهد تمام این ظرف‌ها را استفاده کند، تمکن از این ندارد. در باب شبهات وجوبیه هم بگوئیم عادتاً

تمکّن از موافقت قطعیّه ندارد. بگوئیم اطراف اینقدر زیاد است که این عادتاً نمی‌تواند همه اینها را انجام بدهد، بگوئیم من علم اجمالی دارم یکی از این هزار عمل واجب است، اینجا عادتاً تمکّن از موافقت قطعیّه نیست، به نظر می‌رسد که مرحوم نائینی نمی‌خواهند فرقی بین شبهه‌ی تحریمیه و شبهه وجوبیه بگذارند و اساساً این معنا ندارد که ما بگوئیم شبهه غیرمحصوره را به نحوی باید معنا کنیم که اختصاص به شبهات تحریمیه داشته باشد، این نکته‌ای است که ولو مرحوم آقای خوئی نسبت به ما آشناتر به مذاق استاد بزرگوارشان بوده اند، اما از عبارت فوائد الاصول چنین چیزی برداشت نمیشود البته ممکن است ایشان مطلبی را از مرحوم نائینی شنیده باشند یا در دوره دیگری از درس مرحوم نائینی چنین مطلبی ذکر شده باشد که این مطلب را به دنبال آن اینجا بیان فرمودند.

در نهایت و با توجه به عبارت فوائد الاصول باید گفت ضابطه شبهه غیرمحصوره از نظر محقق نائینی این است، یکی کثرت الاطراف و دوم در شبهه تحریمیه مخالفت قطعیّه ممکن نباشد، در شبهات وجوبیه موافقت قطعیّه عادتاً ممکن نباشد.

اشکالات نظریه محقق نائینی:

دیروز سه اشکال را بیان کردیم، و گفتیم اشکال اول و دوم مردود است، اشکال سوم اشکال مرحوم محقق عراقی بود که ایشان در اشکال به مرحوم نائینی در همان جلد سوم نه‌ایه الأفكار صفحه 329 فرمود اینکه می‌گوئید مخالفت قطعیّه ممکن نیست در فرضی است که ما زمان را محدود کنیم و مسئله‌ی تدریج را کنار بگذاریم. اما اگر زمان طولانی شود و تدریجاً بخواهد مرتکب شود، اینجا مسئله‌ی عدم تمکّن از مخالفت قطعیّه معنا ندارد، می‌گوئیم می‌داند یکی از این منازل نجف غصبی است، حالا این هم آدمی است که هر روز به یک خانه‌ای می‌رود و می‌خواهد روضه بخواند، در طول 20 سال بالأخره تمام این خانه‌ها را می‌رود، اینجا مخالفت قطعیّه ممکن می‌شود منتهی در یک زمان طولانی و تدریجاً.

گفتیم صاحب منتقی الاصول به مرحوم عراقی جواب داده و می‌گوید این حرف شما در صورتی درست است که اطراف شبهه در شبهات مقرون به علم اجمالی قارّ باشند، اطرافش باشند که ثابتند، مثل همین مثال، علم اجمالی داریم یکی از این خانه‌های هزار گانه‌ی نجف غصبی است، این هم آدمی است که هر روز در یکی از این خانه‌ها روضه می‌خواند، اما اگر اطراف از مآکل باشد، مأکول و مشروب باشد، علم اجمالی داریم یکی از این شیرهای لبنیات شهر نجس است، - بحمدالله در قم ما نیست در تهران بعضی از اهل اطلاع می‌گویند علم اجمالی است که بعضی از غذاخوری‌های تهران گوشت حرام مصرف می‌کنند - اینکه الآن مسلم وجود دارد، حالا نسبت به بعضی از مراکز علم تفصیلی است، یک کسی ممکن است بگوید من علم اجمالی دارم یکی از رستوران‌های تهران گوشت حرام مصرف می‌کند، صاحب منتقی الاصول می‌گوید در مورد اکل و شرب که عنوان قار یعنی عنوان وجوب ثابت را ندارند، امروز هست و فردا نیست، اینجا چه می‌گوئید؟

اینجا که دیگر نمی‌شود گفت در زمان طولانی، وقتی می‌گوئیم شیرهای این شهر علم اجمالی داریم که یکیش نجس است، نمی‌شود گفت این در زمان طولانی، فردا به جایش یک شیر دیگری می‌آید و مأکول دیگرش جایش را می‌گیرد، در این درست نیست. در حقیقت صاحب کتاب منتقی یک بخشی از اشکال مرحوم عراقی را پذیرفته ولی در بخش دیگر کلام مرحوم عراقی را ایشان فرموده صحیح نیست. دیروز بیان کردیم گفتیم اشکالی را که امام رضوان الله علیه دارد این اشکال متّخذ از کلام مرحوم محقق عراقی است، ریشه همان اشکالی که دیروز از امام ذکر کردیم متّخذ از کلام مرحوم عراقی است و روی نظر امام و مرحوم محقق عراقی این ضابطه مرحوم نائینی درست نیست! حالا ببینیم این اشکال درست است یا نه؟ به نظر می‌رسد اشکال تمام است، یعنی شما که می‌گوئید لا یتمکّن عادتاً، آیا لا یتمکّن فی زمان واحد و دفعتاً را می‌گوئید یا تدریجاً می‌گوئید. اگر دفعی باشد به قول امام لازم می‌آید تمام شبهات محصوره یا غالب شبهات محصوره، غیر محصوره شود، و اگر تدریجی می‌گوئید، لازمه‌اش این است که شبهات غیرمحصوره، محصوره بشود، چون در تدریج و در زمان طولانی تمکّن از مخالف قطعیّه وجود دارد.

بنابراین این اشکال تمام است .

اشکال چهارم : يك نکته‌اي را كه بعضي از آقايان به آن اشاره داشتند اينكه آيا اين كلام مرحوم محقق نائيني سر از مسئله ابتلا و عدم ابتلا در نمي‌آورد؟ يعني اين را به عنوان يك اشكال چهارم در اينجا مطرح كنيم بگوئيم اشكال چهارم اين است كه جناب مرحوم نائيني آمديد يك ضابطه‌اي را ذكر كرديد كه بازگشت عنوان شبهه غيرمحصوره به مسئله‌ي عدم الابتلاء است و در حقيقت شبهه محصوره به آنجا يي مي‌گويند كه تمام اطرافش عادتاً ارتكاش ممكن باشد، يعني در معرض ابتلا باشد. شبهه غيرمحصوره در جايي است كه بعضي از اطرافش از محل ابتلا خارج است، من علم اجمالي دارم يكي از شيرهاي اين شهر نجس است، همه‌ي شيرها كه در معرض ابتلاي من نيست! البته روي همين بياني كه نائيني مي‌گويد، كه «لا يتمكّن عادتاً من المخالفة القطعية» عادتاً كه من نمي‌توانم اين شيرها را استفاده كنم، امكان عادي استفاده‌اش نيست، بگوئيم نائيني شبهه غيرمحصوره را طوري معنا كرده كه منطبق بر عدم ابتلا مي‌شود و شبهه‌ي محصوره در جايي است كه اطرافش محلّ ابتلا باشد، آن وقت بگوئيم پس اصلاً شما چرا آمديد اسمش را گذاشتيد محصور و غيرمحصور، بياييد بحث سابق را بكنيد كه در تنبيه دوم داشتيم كه علم اجمالي در جايي كه همه‌ي اطراف در معرضيّت ابتلا باشد حجّيت دارد، در جايي كه بعضي از اطراف از معرضيّت ابتلا خارج باشد اينجا حجّيت ندارد.

آيا مي‌شود چنين اشكالي را بر مرحوم نائيني كرد كه بگوئيم كلام شما و ضابطه‌اي كه ذكر كرديد به مسئله‌ي ابتلا و عدم ابتلا برمي‌گردد، ظاهر اين است كه اين اشكال هم وارد است، يعني اگر بخواهيم كلام مرحوم نائيني را تحليل كنيم، اين ضابطه برمي‌گردد به مسئله ابتلا و عدم ابتلا، منتهي در باب ابتلا و عدم ابتلا كثرات الأطراف دخالت ندارد، تنها چيزي كه در اينجا اضافه مي‌شود اين است كه كثرات الأطراف سبب مي‌شود بعضي از اطراف از محلّ ابتلا خارج باشد. ما قبلاً در بحث تنبيه دوم مي‌گفتيم اگر علم اجمالي داريم يا اين ظرف اينجا نجس است يا آن ظرفي كه در اقصى بلاد هند يا آفريقاست، اينجا كثرات نيست، دو طرف بيشتر نيست، يك طرفش از محل ابتلا خارج است، اينجا تنها اضافه‌اي كه وجود دارد اين است كه آنچه كه منشأ عدم ابتلا شده كثرات است، يعني آنچه كه سبب مي‌شود اين در معرض استفاده‌ي من قرار نگیرد كثرات الأطراف است ولي فرق ديگري ندارد، يعني شما نيامديد براي غيرمحصور يك ضابطه روشني غير از مسئله‌ي عدم ابتلا مطرح كنيد.

اين اشكال بر مرحوم نائيني به حسب ظاهر وارد است مگر اينكه بياييم در ابتلا اينطوري بگوئيم كه در شبهه محصوره، ولو - نائيني مي‌خواهد اين را بگويد - همه اطرافش در معرض ابتلا باشد مثل اينكه الآن من را ببرند به كارخانه شير، هزار بسته‌ي شير در آنجا وجود دارد، من علم اجمالي دارم يكي از اينها نجس است، اينجا آيا همه اطرافش در معرض ابتلاي من نيست؟ عادتاً هست، بالفعل نيست. در دفاع از نائيني مي‌گوئيم در باب ابتلا، فعليّت ابتلا را كسي مطرح نكرده، معرضيّت ابتلا را مطرح كردند، يعني الآن هزار تا شير اينجاست، من مي‌توانم بيايم از آن قسمت مباني بردارم، يا از قسمت جنوبي يا شمالي بردارم، اين اختيار با من است كه از هر قسمتي بخواهم بردارم، حالا كه اين اختيار با من است كه از هر قسمتي بردارم، به اين معناست كه تمام اين هزار تا در دايره ابتلا قرار مي‌گيرد، چون در ابتلا معنايش استعمال فعلي نيست كه بالفعل همه را استعمال كنم، در معرضيّت استفاده‌ي من قرار بگيرد، در آن مثال ابتلا در تنبيه دوم مي‌گفتيم آن شيري كه در آفريقاست، اصلاً من گذرم تا آخر عمر به آنجا نمي‌افتد لذا اصلاً آن در معرضيّت ابتلا نيست، اگر اينطور بگوئيم آن وقت اين ضابطي كه مرحوم نائيني فرموده با اين بياني كه عرض كرديم از مسئله‌ي ابتلا و عدم ابتلا جدا مي‌شود.

پس ملاحظه كرديد اين ضابطي كه نائيني فرمود فقط همان اشكالي كه امام و مرحوم عراقي كردند آن اشكال وارد است، بقيه‌ي اشكالات وارد نبود، ولو صاحب كتاب منتقي الاصول همين ضابطه‌ي نائيني را پذيرفتند، اما آن اشكال مرحوم عراقي و مرحوم امام وارد است.

اینجا تنها ضابطی که باقی می ماند ضابطی است که امام رضوان الله علیه فرموده است. نظیر این نظریه را مرحوم محقق
ایروانی در حاشیه کفایه آورده که ایشان هم در نهایت همان نظریه را دارد، در اول يك بیان دیگری دارد ولی در آخر همین نظریه
را دارند که ان شاء الله شنبه عرض می کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته